

شناخت دکترین نظامی رویکردی بین‌رشته‌ای

هارالد هیماک

ترجمه:

مرکز مطالعات و تدوین دکترین و آیین‌نامه‌های سپاه

سرشناسه : هیبک، هارالد، ۱۹۶۹-م. Øiback, Harald, ۱۹۶۹

عنوان و نام پدیدآور : شناخت دکترین نظامی: رویکردی بین‌رشته‌ای/هارالد هیبک: ترجمه مرکز مطالعات و تدوین دکترین و آیین‌نامه‌های سپاه

مشخصات نشر : تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری : ۲۳۰ ص.: مصور

شابک : ۴۵۰۰۰ ریال ۴-۸۱-۲۱۱۲-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا

یادداشت : عنوان اصلی: Understanding military doctrine : a multidisciplinary approach, 2013

موضوع : نظریه نظامی

موضوع : Military doctrine

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تدوین دکترین و آیین‌نامه‌ها

شناسه افزوده : سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

شناسه افزوده : National Geographical Organization

رده بندی کنگره : ۲۲۱۱

رده بندی دیویی : ۴/۳۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۶۲۰۶۴۴۲

ISBN 978-964-211-281-4

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۱-۲۸۱-۴

عنوان:  شناخت دکترین نظامی رویکردی بین رشته‌ای

ترجمه و تألیف: مرکز مطالعات و تدوین دکترین و آیین‌نامه‌های سپاه

ویراستاری و صفحه‌آرایی: سیدعلیرضا بنی‌طبا

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

ناشر: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (تلفن ۸۸۴۹۸۱۴۰)

مرکز پخش:

ستاد فرماندهی کل سپاه - مرکز مطالعات و تدوین دکترین و آیین‌نامه‌های سپاه (تلفن ۳۵۲۳۵۴۲۲)

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۷	فصل اول: کلیات
۱۸	ماهیت دکترین نظامی
۲۰	مشکلات دکترین
۲۷	برخی سفاف‌سازها و هشدارها
۳۱	دکترین یا اخقیات
۳۷	فصل دوم: تاریخچه دکترین نظامی
۵۸	رخدادهای انقلابی
۷۱	فصل سوم: تفکر نظامی؛ یک فعالیت دشوار
۷۴	چالش‌های (معرفت) شناختی
۸۹	فصل چهارم: مبنای گرای دکترینی
۹۴	تحقیق در عملیات
۹۷	نظریه بازی
۱۰۳	تاریخ‌گرایی نظامی
۱۱۱	مبنای گرای آگزیماتیک (بدیهی)
۱۱۹	فصل پنجم: انسجام‌گرایی دکترینی
۱۲۴	انسجام‌گرایی دکترینی: بررسی مجدد
۱۳۱	اندوخته‌های معرفت‌شناسی
۱۳۵	فصل ششم: فرهنگ‌سازی
۱۳۶	توان تشریحی فرهنگ
۱۴۶	فرهنگ به عنوان اعمال و گفتمان‌ها
۱۵۰	فرهنگ به عنوان سازمان دهنده معنا

۱۵۴.....	داستان‌سرایی به عنوان ابزاری برای تقویت دکترین
۱۵۷.....	دکترین به عنوان «رمان تربیتی»
۱۶۵.....	فصل هفتم: اقتدار
۱۶۶.....	متخصصان بی‌روح
۱۷۲.....	لیسنکوئیسم نظامی
۱۷۵.....	قواعد مکتوبات‌های دکترینی
۱۷۹.....	تدوین دکترین: هنر چیزهای ممکن
۱۸۷.....	فصل هشتم: کاربرد مدرن
۱۹۷.....	دکترین به عنوان ابزار آرامش
۲۰۱.....	دکترین به عنوان ابزار فرماندهی
۲۱۰.....	دکترین به عنوان ابزار تعبیه
۲۱۶.....	نسل چهارم
۲۲۳.....	فصل نهم: خلاصه و نتیجه‌گیری

مقدمه

ناپلئون زمانی ادعا کرد که یک برده^۱ با سه فرانسوی برابری می‌کند اما ۱۰۰ نفر فرانسوی قادر خواهند بود که پنج برابر تعداد خود از بردگان را مدیریت کنند. بنابراین، اگر حتی یک برده از یک شخص فرانسوی قوی‌تر باشد، روح جمعی، سازمان‌دهی و انسجام فرانسویان برتر از بردگان است و از کارایی بالایی در مقایسه با آن برخوردار هستند.

به منظور استفاده کارآمد منابع انسانی و مواد موجود، نیروهای نظامی نیازمند هم‌فکری و رسیدن به نقطه نظرات مشترک برای استفاده از آنها می‌باشند. در واقع، انواع مختلف فعالیت‌های سازمان‌دهی شده همانند عملیات نظامی بر اساس اصول شناختی مشترک می‌باشند. در مباحث نظامی، دکترین نظامی نام دیگر چنین اصولی است. به قول معروف دکترین نرم‌افزار یک واحد نظامی است. در مثالی که در بالا ذکر شد نرم‌افزار فرانسه کارآمدتر از نرم‌افزار بردگان بود. به‌طور خاص، دکترین نظامی می‌تواند به عنوان عقایدی نهادینه‌شده درباره آنچه در جنگ و مباحث نظامی کاربرد دارد تعریف شود.

حتی اگر دکترین به شکل نوشته شده و تألیف شده به طور رسمی مورد نظر ما در اینجا باشد، ما همچنان با شکل نانوشته و غیررسمی دکترین‌ها مواجه خواهیم شد. در سنت هلنا^۲، ناپلئون زمان کافی داشت که به‌طور غیرمستقیم درباره دکترین به تفکر بپردازد. برخلاف مواقع او شکایت می‌کرد که فلان سردار نظامی با شکست مواجه شد زیرا به‌درستی سیستم او را نفهمید. به عبارت دیگر، ژنرال‌های او دکترین او را درک نکرده بودند به همین خاطر متحمل شکست‌های سنگینی شدند. باین‌وجود، آیا وظیفه ناپلئون نبود که از آگاهی و فهم درست آنها اطمینان حاصل کند؟ آیا آموزش بهترین جزء مسئولیت‌های اصلی او نبود؟

دکترین به‌طور تنگاتنگی با راهبردها و تاکتیک‌ها مرتبط است. اندیشه‌ها و تفکرات در مورد انجام فعالیت‌ها در موقعیت‌های ویژه برای دستیابی به اهداف خاص "افکار راهبردی" قلمداد می‌شوند، درحالی‌که تاکتیک‌ها به معنی استفاده از سلاح‌ها و واحدهای نظامی در میدان مبارزه می‌باشند. تعریف مشابهی توسط کارل وان کلاوسویتز^۳ ارائه‌شده است: «تاکتیک؛ آموزش استفاده از نیروهای مسلح در هنگام درگیری می‌باشد و راهبرد بهره‌برداری نبردها برای دستیابی به اهداف اصلی است».

1- Mameluk

2- St. Helena

3- Carl von Clausewitz

آنچه دکترین به راهبرد و تاکتیک اضافه می‌کند یک عنصر تأییدی و توجیهی است. شخص دارای قدرت و مسئولیت نظامی برای انجام چنین کاری، شرایط جاری امورات مرتبط با فعالیت نظامی را تجزیه و تحلیل نموده و یک روش متعارف برای پاسخ به سؤالات راهبردی و تاکتیکی را برای نیروهای مسلح اتخاذ می‌کند.

«دکترین» در اصل یک واژه نظامی نیست بلکه برای سالیان متمادی به عنوان مفهومی مهم در مبانی دینی مسیحیت مورد استفاده قرار گرفته است. به‌طور عام، دکترین هم‌اکنون به عنوان مجموعه‌ی بهم‌پیوسته‌ی اعتقادی بر اساس «اصول و فرضیاتی است که درستی آنها را نمی‌توان به‌طور همیشگی ثابت کرد». این اصول دارای بازخوردهایی برای ارائه دیدگاه‌هایی درباره جهان و طریقه زندگی اشخاص می‌باشند». بنابراین می‌توان گفت که مفهوم دکترین نه تنها در الهیات و مذهب بلکه در امور سیاسی، اخلاقی و حتی عقاید فلسفی - موضوع این کتاب است - کاربرد دارد.

در طول یک قرن اخیر، بحث‌های گوناگونی در مورد ماهیت دکترین نظامی و به‌طور خاص درباره امکان تدوین، تعریف و تشریح آگاهانه دکترین (به عبارت دیگر، امکان‌پذیری، گفتمان سازی، رسمی سازی و قالب‌بندی دکترین جامع) برای اجرای کارهای نظامی وجود داشته است. الگوی این بحث‌ها نسبتاً پایدار است. نمایندگان سازمان‌های نظامی همواره تازمین رسمی دکترین را مورد تشویق قرار داده‌اند. نهادهای سازشی و سازمان‌دهی عقاید درباره آنچه در جنگ کاربرد دارد باید به‌طور نظام‌مند و موثق انجام شوند. در مقابل، برخی از اشخاص درباره آثار مخرب پذیرش رسمی افکار و اعمال خاص، هشدار داده‌اند و به جای قرار دادن همه چیز به‌طور رسمی در یک دکترین واحد، بر امکان اتخاذ روش‌های منعطف و غیر محدودکننده هستند. به عبارت دیگر، به‌واسطه تنوع و گستردگی در ضمنی‌بندی «دکترین»، افکار و اندیشه‌های متنوعی در مورد شیوه پذیرش و اجرای دکترین مطرح شده و تمرکز بر یک موضوع در دکترین، روش‌ها و قواعد نامحدود و متنوعی مطرح و مورد بحث و تبادل نظر اندیشمندان در این حوزه بوده است تا گسترش کمی و کیفی باورها درباره آنچه که در فعالیت‌های نظامی مفید هستند فراهم گردد. نوشته‌های زیادی درباره دکترین نظامی خاص وجود دارد؛ به‌عنوان مثال: دکترین تهاجمی فرانسه در سال ۱۹۱۴ میلادی و دکترین نسبتاً ناکارآمد آمریکا در جنگ ویتنام. اما بر اساس اطلاعات موجود مطالعه جامعی درباره اینکه یک دکترین نظامی رسمی چیست و چگونه در عمل می‌توان از آن استفاده نمود وجود ندارد. بنابراین، کتاب حاضر اولین تلاش مکتوب برای بررسی اجزای مهم دکترین نظامی در قالبی مدون و رسمی است.

ساختار این کتاب به سه بخش تقسیم شده است. بخش اول دارای دو فصل است. فصل اول توصیف مقدماتی از «اینکه دکترین نظامی چیست» ارائه می‌دهد و نقطه نظرات موافق و مخالف عمده درخصوص دکترین را برجسته می‌نماید. تعریف شناخته شده مشترکی از دکترین وجود ندارد و بنابراین ما باید به این نکته برسیم که دکترین در واقع چیست؟ تا به موقعیتی دست‌یابیم که به تشریح ماهیت و ویژگی‌های آن

بپردازیم و در نتیجه به ماهیت اصلی دکترین مسلط شویم. همان‌طور که در این کتاب ما در جاهای مختلف با آن مواجه خواهیم شد، برخی از صاحب‌نظران دکترین را به عنوان چیزی حیاتی و اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر آن را چیزی اضافی و غیرضروری می‌دانند. برخی از مشاجرات از مخالفت‌های واقعی ناشی می‌شود و برخی دیگر به خاطر وجود زبانی گنگ و نامفهوم و غالباً سنجش‌ناپذیر است که برای تشریح دکترین به کار گرفته شده است. مسئله‌ای که برای یک شخص ممکن است عادی و معمولی به نظر برسد برای شخصی دیگر ممکن است حاکی از امری بنیادین و اصولی باشد. علاوه بر تعاریف، فصل اول به تشریح برخی مطالب و رفع ابهامات موجود می‌پردازد.

فصل دوم، ریشه‌های تاریخی دکترین نظامی و نحوه رشد و گسترش آن تا زمان کنونی را مورد پژوهش و ارزیابی قرار می‌دهد. اگر مجموع تعاریف گنج‌کننده باشند، تاریخ دکترین هم به‌نوبه خود پیچیده تر خواهد بود. بر اساس تعریف دکترین، ریشه آن را می‌توان در کشورهای مختلف و قرن‌های مختلف یافت. اگرچه کشور پروس^۱ به عنوان خاستگاه دکترین در نظر گرفته شده است، اما کتاب کنونی این نکته را خاطرنشان می‌کند که حتی اگر پروس به همراه روسیه و آمریکا به میزان زیادی در گسترش و ترویج تفکر دکترینی به‌یادمانده، این کشور فرانسه بوده است که به معرفی این مفهوم به‌طور ریشه‌ای مبادرت ورزیده است.

برت چپمن^۲ در مقدمه کتاب خود ریشه دکترین نظامی؛ آلمان، بریتانیا، اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده را به عنوان مهم‌ترین کشورهای که مفهوم دکترین نظامی را گسترش دادند برمی‌شمرد. کشورهای دیگری مانند چین، استرالیا، کانادا، هند، اسرائیل و آفریقای جنوبی همچنین به عنوان کشورهایی که دکترین نظامی را توسعه دادند ذکر شده‌اند اما از فرانسه به‌طور آشکار هیچ‌گونه سخنی به میان نیامده است. به عبارت دیگر، فرانسه در توضیحات استازارد^۳ دکترین، جایگاه چندان بالایی ندارد. بخش دوم (و اصلی) کتاب اساساً چارچوب دکترین را مورد بررسی قرار می‌دهد و تحلیلی از مهم‌ترین ویژگی‌های دکترین نظامی را ارائه می‌دهد. همانند دیگر اشخاص، حتی منتقدان به‌پردازان نظامی نیز تحت تأثیر دیدگاه «دکارتی»^۴ از حقیقت^۵ قرار می‌گیرند که اغلب به افراط بعد معرفت‌شناسی می‌انجامد و چیزهای

۱- پروس و در بعضی منابع پروسیا در ابتدا منطقه سکونت قوم بالتی غربی به نام پروس‌ها بوده است. بعدها یکی از کشورهای نوابه‌های آلمانی شد و از قرن شانزدهم میلادی، توسط یک دوک‌کشین از دودمان هوهن‌تولرن، که در آغاز تحت سلطه فئودالی لهستان و سپس سوئد بود، حکومت می‌شد. در سال ۱۷۰۱ به پادشاهی مستقلی تبدیل شد. بین سال‌های ۱۸۶۷ تا ۱۸۷۱ میلادی به صورت بخشی از کنفدراسیون آلمان شمالی اداره می‌شد و بین سال‌های ۱۸۷۱ تا ۱۹۴۵ میلادی به یکی از ایالت‌های امپراتوری آلمان تبدیل شد. پس از جنگ جهانی دوم و تقسیم آلمان بین نیروهای متفقین، نام پروس از جغرافیای آلمان و جهان حذف شد (م).

2- Bert Chapman

3- Cartesian

۴- رنه دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰) فیلسوف برجسته فرانسوی کسی است که معمولاً از او به عنوان پدر فلسفه مدرن یاد می‌شود. دیدگاه‌های فلسفی دکارت به‌ویژه از منظر معرفت‌شناسی نقشی اساسی در شکل‌دهی فلسفه مدرن و مدرنیته داشته است. دکارت با استفاده از محوریت اصل کوزینو (من می‌اندیشم پس هستم) و روش ریاضی‌وار خود در رساله «تأملات در فلسفه اولی» ملاکی برای شناسایی و تعریف حقیقت ارائه می‌دهد که وابستگی

فقط ممکن را نادرست می‌انگارد. باین وجود، انتظار و توقع رسیدن به استانداردهای عالی در همه‌ی جنبه‌های زندگی نوعی غرور و زیاده‌خواهی فلسفی است و بر اساس نظر ارسطو «جست‌وجو برای رسیدن به چنین دقتی در هر گفتمانی به اشخاص تحصیل کرده مربوط می‌شود و ماهیت شیء مورد بررسی چنین تفسیری را تصدیق می‌کند» کلاوسویتز^۱ (۱۹۷۶) نکته مشابهی را در مورد مفهوم راهبرد ذکر می‌کند: خواننده انتظار دارد در نظریه راهبرد خطوط و زوایای دقیق را ببیند، اما به جای سکون و ثبات دنیای علمی تنها با موجودات تغییرپذیر دنیای معمول مواجه می‌شود. نویسنده نمی‌تواند خود را در واقعیت علمی‌تر و دقیق‌تر از آنچه موضوعش توجیه می‌کند قرار دهد-چنین دیدگاهی عجیب و غریب به نظر می‌رسد.

بنابراین، مبحث اصلی اصل سوم که به محدودیت‌های نظریه نظامی مربوط می‌شود، این است که با وجود اینکه نظریه‌پردازی و تنظیم نظامی‌ها در ایجاد دکترین حیاتی است، شما نمی‌توانید شاهد واقعیت‌های مصون از خطا باشید.

در این کتاب «نظریه» این گونه تعریف می‌شود:

تلاش برای ترکیب نظام‌های دنیایی که یک شخص دربارۀ جنبه‌ی خاصی از تجربیات دنیا به دست آورده است. هدف دستیابی به نوعی انسجام است که به قدرت تشریح مسائل و سهولت در پیش‌بینی می‌انجامد.

به‌طور سنتی، نظریه نظامی روی چهار پرسش اصلی تمرکز داشته است: جنگ چیست؟ چگونه باید در جنگ پیروز شد؟ چگونه باید برای جنگ آماده شد؟ و چگونه می‌توان وقوع جنگ جلوگیری کرد؟ جنبه نظری دکترین ممکن است روی هر چهار پرسش متمرکز باشد و تأثیر خاصی هم بر پرسش دوم داشته باشد. باین وجود در سال‌های اخیر، پرسش اول توجهات گسترده‌ای را به خود جلب کرده است.

فصل چهارم به یکی از دو روش اصلی برای تعامل و فهم بهتر مفهوم پیش‌بینی در این نظریه دکترین با استفاده از مبانی بنیادین، یعنی بنیادگرایی دکترینی^۲ که تلاش می‌کند دکترین را به پیزی مستحکم‌تر در حیطه و یا خارج از گفتمان راهبردی مرتبط سازد، می‌پردازد. بر اساس این اصل، منطق و توجیهی که در پشت دکترین وجود دارد مستحکم‌تر خواهد شد. فصل پنجم روش بنیادین دیگر، یعنی انسجام‌گرایی دکترینی^۳ را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد که تلاش می‌کند نظریه دکترین را با استفاده از ابزارها و مبانی موجود در گفتمان راهبردی تقویت کند. در اینجا منطق دکترین فراتر از سایر مباحثات منطقی است که ممکن است به شک و تردید بینجامد.

حقیقت را به انسان نشان می‌دهد. او می‌گوید هر چیزی را که وی واضح و متمایز تصور کند، کاملاً حقیقت دارد. بر این اساس یقین و حقیقت چیزی است که تنها از طریق دو معیار انسانی «وضوح» و «تمایز» قابل حصول می‌باشد و هیچ یقینی خارج از این چارچوب نمی‌تواند معنادار باشد.

1- Clausewitz

2- doctrinal foundationalism

3- doctrinal coherentism